

روزنامہ مطبوعات

● روزنامہ مطبوعات (۳) / سید فرید قاسمی

روزنامه‌چه مطبوعات (۳)

سیدفرید قاسمی

گذری و نظری بر مطبوعات - دیروز و امروز - ایران

دکتر صفا و مطبوعات

۱۶۸

استاد دانشمند دکتر ذبیح‌الله صفا شه میرزادی پس از سالها تدریس و تحقیق و تألیف به رحمت حق پیوست و به دیار باقی سفر کرد. به عمر پربرگ و بار علمی و ادبی استاد صفا استادان بزرگوار و معاصران و همکارانش خواهند پرداخت. آنچه در این مختصر خواهد آمد اشاره‌ای گذرا به فعالیت‌های مطبوعاتی اوست.

استاد صفا در ابتدای فعالیت‌های مطبوعاتی با نشریه‌های مختلف همکاری قلمی داشت. پس از آن، برای نخستین بار نام ایشان به عنوان «صاحب امتیاز و مدیر» به مدت شش ماه - از خرداد ۱۳۲۲ تا آبان ۱۳۲۲ - در شناسنامه مجله سخن دیده شد. از شماره هفتم و هشتم - بهمن و اسفند ۱۳۲۲ - مجله سخن که در یک مجلد انتشار یافت، نام پرویز ناتل خانلری - سردبیر شش شماره نخست - را به عنوان صاحب امتیاز و مدیر و احمد بیرشک را به عنوان سردبیر نوشتند.

دکتر صفا در ۲۹ مرداد ۱۳۲۳ «نامه هفتگی شباهنگ» را منتشر کرد. مجوز انتشار شباهنگ را اداره کل نگارش وزارت فرهنگ طی نامه «شماره ۵۰۹۱/۹۷۳» به «تاریخ ۲۳/۲/۹» به «اداره کل شهربانی» به این شرح اعلام کرد:

«اداره کل شهربانی - به موجب قانون مطبوعات مصوب سوم دی ماه ۱۳۲۱ شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه شباهنگ را به نام آقای ذبیح‌الله صفا شه میرزادی تصویب نموده است که در تهران به مدیری و سردبیری خودشان با روش سیاسی - اقتصادی - ادبی - اجتماعی چاپ و

منتشر نمایند. مراتب بدین وسیله اطلاع داده می‌شود. وزیر فرهنگ [...].

مجموعاً شباهنگ سه بار توقیف شده است. دو بار بوقت و بار سوم «توقیف دائم»
دو نامه «فرمانداری نظامی تهران» در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ به نخست‌وزیر درباره شباهنگ
به این شرح‌اند:

۱. «جناب آقای نخست‌وزیر، گزارش - محترماً معروض می‌دارد: چون روزنامه شباهنگ در
شماره ۲۴ - مورخه ۲۳/۱۲/۱۳ تحت عنوان وضع اسفناک دولت به هیأت دولت اهانت نموده
است؛ علیهذا به اداره کل شهرتانی دستور داده شد که از انتشار روزنامه مزبور جلوگیری نمایند.
فرماندار نظامی تهران مرتب گلشایان».

۲. «جناب آقای نخست‌وزیر، گزارش - محترماً معروض می‌دارد: چون روزنامه شباهنگ در
شماره ۲۸ - مورخه ۲۴/۳/۲۷ مقالاتی مخالف مشی سیاسی دولت منتشر نموده، علیهذا به
اداره کل شهرتانی دستور داده شد که از انتشار روزنامه مزبور جلوگیری نمایند. فرمانداری نظامی
تهران: سرهنگ ستاد بهارمست».

گویا پس از نامه دوم شباهنگ را برای همیشه توقیف کرده‌اند. بنابر فهرست ارائه شده آخرین
شماره موجود شباهنگ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۲۸ است.
نگارنده دو شماره از شباهنگ را در اختیار دارد. این دو شماره از شماره‌های سال دوم این
نشریه‌اند: «سال دوم - شماره ۴ - شنبه ۲۶ آبان سال ۱۳۲۴» و «سال دوم - شماره ۸ - شنبه اول
دی سال ۱۳۲۴». هر کدام از این شماره‌ها ۱۶ صفحه دارند و قطع شان ۲۴×۳۳ است. در شماره
چهارم سال دوم این تیتراها به چشم می‌خورند: «اخبار شوم طغیان برای تجزیه کردستان و
نواحی شمال»، «آقای کامبخش چه می‌خواست بگوید»، «نوشته‌های خوب [۱] رازهای محور»،
«اشعار ژاپنی [۲] خیال معشوق از آثار هوریکوش»، «لانائرن» به قلم: آ. دالا. روجرز، ترجمه ک.
شوکت، «بحران کلفت»، «نخستین خبرنگار امریکایی در بلغارستان»، درباره «شعر» نگارش دکتر
ذبیح‌الله صفا، «شب‌های تهران [۳] در دام او... این داستان حقیقت دارد»، «از ترانه‌های یونانی [۴]
صدای بوسه» ترجمه محمدحسین اخباری، «از افکار گذشتگان»، «نخستین عشق او...» به قلم
ژرژپیر، ترجمه پرویز لقایی، «مُرده زنده شده» ترجمه آتشی، «فلسفه جوکی»، «گزارش از لهستان»
نقل از مجله اسپیک تی‌تر، «ترانه‌های مازندرانی»، «خننده نشانه حیات است»، «جدایی» از گوته،
ترجمه محمدعلی اسلامی، «سلمانی» اثر چخوف، ترجمه لقایی، «مست...» اثر امیل زولا،
«سینما [۵] صلیب گرن» محمود فخرداعی، «ادبیات روسی»، «داستان زناشویی»، «به ما
نوشته‌اند»، «نوای عشق» اثر تورگنوف، ترجمه عزیز لقایی، «حکایتی از جنگ» و...

دو نکته قابل توجه در این شماره دیده می‌شود. نخست آن که زمان خواندن هر مطلب را در



○ سید فرید قاسمی

بالای تیترا تعیین کرده‌اند. مثلاً بر بالای تیترا «اخبار شوم! [۱]» نوشته‌اند «مدت مطالعه ۲ دقیقه» و یا در بالای تیترا «نخستین خبرنگار امریکایی در بلغارستان» آورده‌اند: «مدت مطالعه ۳ دقیقه و نیم». دو دیگر که جلب توجه می‌کند نوع تبلیغاتی است که برای فروش این نشریه کرده‌اند. زیر عنوان «این خانم سر خود را برای شما هدیه آورده است» می‌خوانیم: «فراموش نکنید صبح شنبه اول دی شماره اول جلد دوم شباهنگ را بخرید و چنانچه مطالبش را پسندیدید خریدن و خواندن آن را به دوستان خود توصیه کنید مطمئن باشید تا شماره اول جلد دوم شباهنگ را که روز شنبه اول دی منتشر می‌شود نخرید از این راز سر در نمی‌آورید. ما یقین داریم که این شماره در میان مطبوعات بی‌نظیر خواهد بود، شما هم می‌توانید یک شماره بخرید و به صحت ادعای ما پی ببرید».

یکی دیگر از این دست مطالب که به منظور آگاهی خوانندگان از کم و کیف تلاشهای گردانندگان شباهنگ در این نشریه چاپ شده، از این قرار است:

«ما همیشه کوشا بوده‌ایم که نامه خود را به طرز بی‌سابقه و بدیعی منتشر سازیم و خوانندگان عزیز می‌توانند این موضوع را از نوشته‌ها و طرز صفحه‌بندی و تصاویر شباهنگ به خوبی دریابند. اغلب خوانندگان ما متعجبند که چگونه یا نبودن وسایل ممکن است مجله‌ای به سبک نامه‌های فرنگی و به این ظرافت منتشر کرد. ما به امید خداوند قدم در راهی نهاده‌ایم که بسیار

شاهنگ

نامه هفتگی شاهنگ

صاحب امتیاز و مدیر :

دکتر ذبیح الله صفا

مدیر داخلی :

محمود پورشالچی

جای اداره لاله زار کوی مهران

اشتراک سالیانه : ۲۴۰ ریال

تک شماره ۵ ریال

روزهای شنبه متشر میشود

چاپخانه سپهر



● دکتر ذبیح الله صفا(عکس از علی دهباشی)

دشوار است و البته تنها به یاری او و کمک خوانندگان با وفا که همیشه پشتیبان ما بوده‌اند خواهیم توانست نامه خود را هر هفته زیباتر و جالب‌تر از هفته قبل نشر دهیم. موضوعی که همواره فکر ما را به خود مشغول می‌داشت این بود که بعضی از خوانندگان نمی‌توانند تمام دوره‌های شباهنگ را جمع‌آوری کنند و نگاه داشته باشند و حتی ممکن است کسانی از شماره‌های اول با شباهنگ آشنایی نیافته باشند و البته در این صورت مرتب کردن و نگاه داشتن آن به صورت یک دوره منظم برای ایشان دشوار است. برای رفع این نقیصه ما به فکر افتاده‌ایم که مجله شباهنگ را در هر سال به شش جلد تقسیم کنیم که هر جلد از هشت شماره یعنی دو ماه به وجود آید به همین دلیل است که ما از شماره نهم شروع به انتشار جلد دوم شباهنگ می‌کنیم و امیدواریم حتی المقدور زیباتر و نفیس‌تر از مجلد اول آن باشد.

شماره هشتم سال دوم شباهنگ که تاریخ «شنبه اول دی ۱۳۲۴» را دارد، دربردارنده این مطالب است: «خون را با خون باید شست»، «دوستی بی‌نژاد» [از اشعار حبیب یغمایی]، «حد متوسط عمر»، «ترانه‌های مازندرانی»، «هفت شب و هفت روز»، «از افکار گذشتگان»، «او ابرون که بود؟»، «انسان وحشی یا مست» اثر امیل زولا، ترجمه محمود پورشالچی، «نوشته‌های خوب [از روسیه و کشورهای همجوار]»، «ترانه‌های عاشقانه»، «تکرار وقایع ایران در اروپا»، «پولت گودار»، «زمن را دوست دارم»، «بیا مرا دوست بدار» به قلم آتش، «نوای عشق» اثر تورگنوف، ترجمه

عزیز لقای، «من مادرم را می‌خواهم» به قلم یچلاش روپ، «در کوچه تاریک پاریس»، «داماد کم‌رو...» اثر آنتوان چخوف، ترجمه عزیز لقای، «اشعار ژاپونی [؟] فراموش شده‌ها! از: هاگوشو کیتارا، «جوان پرویی مرا بوسید» به قلم آن شریدان، «ماجرای جوش صورت»، «مأموریت در برتانی»، «چشم و ابرو»، «گمشده! [؟] مسابقه تازه»، «بیا مرا دوست بدار» و...

در شناسنامه «نامه هفتگی شباهنگ» آورده‌اند:

«صاحب امتیاز و مدیر: دکتر ذبیح‌الله صفا [؟] مدیر داخلی: محمود پورشالچی [؟] جای اداره لاله‌زار کوی مهران [؟] اشتراک سالیانه: ۲۴۰ ریال [؟] تک‌شماره ۵ ریال [؟] روزهای شنبه منتشر می‌شود.»

در مهر ماه ۱۳۳۲ نخستین شماره مجله دانشکده ادبیات انتشار یافت. با انتشار این مجلد، برای سومین بار دکتر صفا در مقام گرداندگی یک نشریه ظاهر شد. تا شماره پیاپی ۶۷ (سال ۱۶، شماره ۳، بهمن ۱۳۴۷). چندی بدون ذکر نام و بعدها به ترتیب با عنوانهای «زیرنظر» و سپس «رئیس هیأت نویسندگان» نام دکتر صفا آورده شده است و از شماره پیاپی ۶۸ (سال ۱۶، شماره ۴، فروردین ۱۳۴۸) نام او را در شناسنامه مجله نمی‌بینیم.

دکتر صفا چه زمانی که خود گرداننده یک نشریه بود و چه پیش و پس از آن همواره با رزونامه‌ها و مجله‌های مختلف همکاری قلمی داشت و برای آنان مطالبی می‌فرستاد. در مجله نامه فرهنگ چاپ مشهد (سال اول، شماره ۷، مهر ۱۳۳۱) که به سردبیری زنده‌یاد غلامحسین یوسفی منتشر شده دکتر صفا یک مقاله با عنوان «نفس و نیروهای آن در نظر ابن‌سینا و یک شعر با نام «گذشت عمر» دارد، شعر «گذشت عمر» این است:

عمر آنچنان گذشت که تیر از کمان گذشت	شادی عنان کشید و غم از آستان گذشت
رهوار مرکب هوس از پویه باز ماند	از بس که نامراد به هر سو دوان گذشت
نیروی روح و قوت طبع و نشاط دل	این هر سه گرچه بود گران رایگان گذشت
آمد که رحیل و نمی‌دانم ای دریغ!	کز کور راه مرگ چسان می‌توان گذشت؟!
زشتا دو روزه زندگی شوم بدنشان!	کآمد به دست گریه به پای فغان گذشت
روزش سیاه‌تر ز شب عمر باد اگر	این رنج‌دیده دل، به تقاضای جان گذشت
ای خار راه مرگ! فراتر شو از طریق	کآن مرغ روح، خواهد از این آشیان گذشت
ای جان تیره روز! چه جستی در این مفاک؟!	بیدار شو! که فرصت خواب گران گذشت
ای عمر دیرپای! چه ایستاده‌یی؟ مپای!	بشتاب! از آن طریق که امن و امان گذشت
مردانه رفت باید از تنگنای رنج	کز تنگنا کسی نه بذل و هوان گذشت
بدرود باد روز سپید و شب سیاه	کز هر دو روز ما به شب آمد زمان گذشت

(نامه فرهنگ، سال ۱، شماره ۷، مهر ۱۳۳۱، ص ۲۹۸). «فلورانس ۱۶ خرداد ۱۳۲۹»

از کلک تا پرستو

در ویژه‌نامه مطبوعات ایران مجله کلک (شماره ۸۴، اسفند ۱۳۷۵) در مطلب مختصری با عنوان روزنامه‌نگاری دهخدا (ص ۳۰۰-۳۰۳) نوشتم که: این نوشتار نکته بدیع و کشف جدیدی را در بر ندارد. فقط دریغ آمد ویژه‌نامه مطبوعات را انتشار دهم و نامی از دهخدای روزنامه‌نگار در این دفتر نباشد. از این رو مطلب مختصری تنظیم کردم تا نام و یادش زینت بخش این مجموعه باشد.

مقاله روزنامه‌نگاری دهخدا ظرف دو سال و نیم اخیر در سه نشریه - با حذف چند سطر بالا - تجدید چاپ شد. نخست در روزنامه اطلاعات بین‌المللی و سپس - به ترتیب - در مجله‌های میراث ایران و پرستو چون نشریه اول منبع را ذکر نکرده بود، دو مجله دیگر نیز به آن اشاره‌ای نکردند. در مجله میراث ایران آورده‌اند به «نقل از روزنامه اطلاعات» و در مجله پرستو نیز نوشته‌اند: «به نقل از روزنامه اطلاعات تهران و میراث ایران» و هیچ‌کدام نامی از کلک نبرده‌اند.

تسلیت و تبریک

رئیس‌ان مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها - که یک مرکز صرفاً پژوهشی است - در طول ده سال اخیر - جز یک مورد - با رفت و آمد معاون امور مطبوعاتی تغییر کرده‌اند و هر از چند گاهی «تودیع و معارفه» در این مرکز برقرار است. روز هشتم خرداد ماه سال جاری نیز یکی از همین روزها بود که پژوهشگران، مدرسان و کارکنان این مرکز به یکدیگر تسلیت و تبریک می‌گفتند. تسلیت برای رفتن دکتر عبدالعلی رضایی و تبریک برای آمدن دکتر محمد مهدی فرقانی. آن که رفت کارنامه درخشانی برجای نهاد. بیست ماه این مسؤلیت را عهده‌دار بود و بدون اغراق روزانه بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت برای پیشبرد اهداف پژوهشی و آموزشی این مرکز وقت خود را صرف می‌کرد. سالم آمد و بیمار رفت!

نشریه‌هایی که او در ظرف این بیست ماه در مرکز راه‌اندازی کرد این‌هاست: فهرست مندرجات نشریات تخصصی ارتباطات و رسانه‌های جمعی جهان، چکیده مقالات ارتباطات و رسانه‌های جمعی، فصلنامه آماری مطبوعات و بازتاب. در این مدت کتابخانه مرکز را جانی تازه بخشید. انتشارات مرکز را سامان داد و برنامه‌های پژوهشی و آموزشی نوشت که بعضی از آنها را اجرا کرد و برخی نیز با رفتن آقای بورقانی متوقف ماند...

اکنون کسی برجای او نشسته که از بدو تأسیس این مرکز در جریان کارها بوده و به عنوان مدرس هفته‌ای یکی دو بار در آنجا حضور داشته است. چون بیش از ربع قرن خاک تحریریه خورده و روزنامه‌نگار و مجله‌نگار بوده و از خبرنگاری تا سردبیری نشریه‌های مختلف را

موفقیت پشت سر نهاده است، از انتصابش گروه کثیری از جامعه مطبوعاتی خوشحال‌اند. حضور مداوم او در دانشگاه طی سالیان سال به عنوان دانشجوی کارشناسی، کارشناسی ارشد و سپس دکتری و تدریس او در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی نیز باعث شده جامعه دانشگاهی از این انتخاب خرسند شوند. ما نیز برای او آرزوی موفقیت داریم و امیدواریم که مقامات ذیربط به او اختیارات و امکانات لازم را بدهند تا طرحهای اساسی که در زمان آقای بورقانی بنا بود اجرا شوند و ایده‌هایی که خود ایشان دارند به اجرا درآیند.

تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان

به وسیله نشریه کتاب هفته (شماره ۲۷۵، شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۷۷، ص ۲۴) مطلع شدم برای کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان در فاصله ۷۷/۱۲/۸ تا ۷۷/۱۲/۱۴ مجوز خروج از چاپخانه را صادر کرده‌اند. روز ۲۳ اسفند ۱۳۷۷ با در دست داشتن نشریه کتاب هفته به فروشگاه مستقر در دفتر مرکزی ناشر مراجعه کردم تا یک نسخه از این کتاب را خریداری کنم. به فروشنده گفتم که یک نسخه از کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان را می‌خواهم. فروشنده محترم فرمود: «ما فقط کتابهای خودمان را می‌فروشیم!» گفتم: می‌دانم که شما فقط کتابهای خودتان را می‌فروشید. ناشر این کتاب هم خودتان هستید. فروشنده گفت: «ما کتابهای خودمان را می‌شناسیم این کتاب جزو کتابهای ما نیست». من هم بلافاصله نشریه کتاب هفته را باز کردم و صفحه ۲۴ را به او نشان دادم. گفتم ببخشید ممکنه خواهش کنم این چند سطر را بخوانید. پس از آن که اطلاعات ارائه شده در کتاب هفته را خواند گفت: «این کتابی که شما می‌خواهید برای اولین بار امروز اسمش به گوش من خورده اگر مال مرکز [تشر دانشگاهی] هم باشد تا این لحظه به ما نداده‌اند». گفتم: ببخشید حدود یک هفته است که مجوز توزیع آن را صادر کرده‌اند. چطور ممکن است که به دست شما نرسیده باشد. گفت: «... یک راه به نظر من می‌رسد... الان با انتشارات تماس می‌گیرم و مشکل شما را حل می‌کنم». گوشی تلفن را برداشت، شماره گرفت و پس از لحظاتی شروع به صحبت کرد. پس از احوالپرسی با همکارش، کتاب هفته را از دست من گرفت و نام کتاب را برای همکار خود خواند و پاسخی شنید. «بله» گفت، «تشکر» کرد، گوشی را گذاشت و بلافاصله به من گفت: «شما درست می‌گفتید ناشر این کتاب ما هستیم اما در حال حاضر نمی‌توانیم این کتاب را بفروشیم. به این علت کتاب را به فروشگاه نداده‌اند که هنوز قیمت‌گذاری نشده است و...» من به ناچار با او خداحافظی کردم... از فروشگاه که خارج شدم... باز به ناچار راه خانه را در پیش گرفتم... یک ماه گذشت... روز ۱۳۷۸/۱/۲۳ مجدداً به فروشگاه مرکز نشر مراجعه کردم. پس از سلام و عرض تبریک سال نو معطل نکردم و پشت سر

هم بدون این که امان بدهم به آقای فروشنده گفتم: یک ماه قبل آمدم و می‌خواستم یک نسخه کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان را بخرم. یکی از همکارانتان که جای شما بود گفت: «... هنوز قیمت‌گذاری نشده است...» الان هم برای آن کتاب آمده‌ام لطفاً یک نسخه مرحمت بفرمایید. فروشنده گفت: «تشریف داشته باشید» و بلافاصله گوشی را برداشت و شماره‌گیری کرد و پس از لحظاتی ضمن احوالپرسی با مخاطب خود گفت: «یک مشتری داریم که کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان را می‌خواهد. کمی به فروشگاه می‌دهید تا ما به او بگوییم بیاید و کتاب را بگیرد...» پس از آن که گفت‌وگوی تلفنی‌اش تمام شد به من گفتم: «تا آخر هفته کتاب را به فروشگاه می‌دهند. شما هفته آینده بیایید و کتاب را بگیرید». گفتم: «راهم دور است. دو بار است که صرفاً برای خرید این کتاب می‌آیم. راهی ندارد الان این کتاب را بخرم...» دوباره گوشی را برداشت و پس از گفت‌وگوی تلفنی گفت: «برو ساختمان رو به رو طبقه اول اتاق [...] بگو مرا از فروشگاه برای خرید کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان فرستاده‌اند». به آن طرف خیابان، ساختمان رو به رو، طبقه اول، اتاق موردنظر رفتم. سلام کردم و گفتم که مرا از فروشگاه فرستاده‌اند... برای خرید کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان. گفت: بروید سه هزار تومان به اتاق رو به رو بدهید. به اتاق رو به رو رفتم سه هزار تومان پرداخت کردم و... «فاکتور فروش کتاب» به شماره ۳۰۰۳۷۱۱ با «کُد مشتری ۱۰» را به دستم دادند و گفتند: «برو آن طرف خیابان ساختمان رو به رو، از پله‌ها برو پایین، توی زیرزمین، قسمت انبار. این برکه را بده تا کتاب را به شما بدهند...» بعد از تشکر و خداحافظی از پله‌ها پایین آمدم و عرض خیابان را طی کردم و... به زیرزمین رسیدم. فاکتور فروش را تحویل دادم. نام کتاب را گفتم. پس از چند لحظه کتاب را تحویل گرفتم و به طبقه همکف آمدم. پیش از ترک ساختمان به فروشگاه رفتم و از فروشنده تشکر کردم و... راه خانه را در پیش گرفتم...

باری، بسیار علاقه‌مند بودم که این کتاب را پیش از تعطیلات نوروز خریداری کنم. تا در ایام نوروز که یک فراغت نسبی حاصل می‌شود معرفی مفصلی برای کتاب بنویسم. که «قسمت» نشد و روزی کتاب را خریدم که مجدداً گرفتار کارهای خودم شده بودم. اکنون نیز بعید می‌دانم که در این فرصت اندک بتوانم آن‌طور که شایسته است از عهده معرفی این کتاب ارزشمند برآیم.

باری، دکتر ناصرالدین پروین عشق‌آباد دانش‌آموخته روزنامه‌نگاری و تاریخ است. کار مطبوعاتی کرده و مدتی نیز گرداننده یک مجله بوده است. تحقیق درباره مطبوعات را از سی سالگی آغاز کرده و اکنون ۵۴ سال دارد. بنابراین ۲۴ سال عمر خود را بر سر این کار نهاده است. دکتر پروین به بسیاری از کشورهای جهان سفر کرده تا نسخه‌ای از یک نشریه را ببیند. او در «دیباجه» جلد اول کتاب خود نوشته: «... از آنجا که دوره‌های روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی در



سراسر جهان پراکنده است و کمتر عنوانی یافت می‌شود که دوره کامل آن را در یک کتابخانه عمومی یا خصوصی بتوان دید، ناگزیر از مراجعه به کتابخانه‌های مختلف در تهران و دیگر شهرهای ایران، افغانستان، پاکستان، هند، ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی شدم و از کشورهای دیگر نیز میکروفیلم و میکروفیش و فتوکپی نسخه‌های روزنامه‌ها یا اسناد مربوط به آنها را با صرف وقت و هزینه دریافت داشتم» (ص ۱).

جلد اول کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان پس از «دبیاچه» ای به قلم دکتر پرویز دارای این فصلهاست: «فصل مقدماتی: ارتباطها، چاپ، واژگان روزنامه‌نگاری»، «فصل اول: زمینه‌های روزنامه‌نگاری فارسی در هند: «اخبارات» و روزنامه‌های چندزبانه»، «فصل دوم: آغاز روزنامه‌نگاری مستقل فارسی در بنگال و...»، «فصل سوم: روزنامه‌نگاری فارسی در هند»، «فصل چهارم: زمینه‌های روزنامه‌نگاری در ایران»، «فصل پنجم: آشنایی ایرانیان با روزنامه و نخستین روزنامه ایران»، «فصل ششم: آغاز روزنامه‌نگاری منظم (۱۲۸۷-۱۲۵۲ ق): ۱. تاریخچه»، «فصل هشتم: روزنامه‌نگاری در ایران از ۱۲۸۷ تا ۱۳۱۳ ق: ویژگیهای فنی و اداری»، «فصل نهم: روزنامه‌نگاری در ایران از ۱۲۸۷ تا ۱۳۱۳ ق ۳. محتوا»، «فصل دهم: روزنامه‌های فارسی چاپ ترکیه عثمانی»، «فصل یازدهم: قانون»، «فصل دوازدهم: روزنامه‌نگاری فارسی در هند (۱۸۹۶-۱۸۷۶ م / ۱۳۱۳ - ۱۲۹۳ ق)»، «فصل سیزدهم: آغاز روزنامه‌نگاری

فارسی در افغانستان، مصر، قفقاز و فرانسه» و «فصل پایانی».

این مجلد ۳۵۶ صفحه دارد که بیش از نیمی از آن به مطبوعات «پارسی نویسان» خارج از کشور اختصاص داده شده و حق هم همین است یکی به دلیل اشراف بیشتر دکتر پروین به مطبوعات فارسی زبان چاپ خارج از کشور و دو دیگر به مناسبت تعدد و تنوعی که در این زمینه در گستره جلد اول نسبت به داخل کشور وجود داشته است. گمانم براساس این دو دلیل و نیز محل نشر دکتر پروین مطبوعات ایران پس از توضیح مختصری درباره هر نشریه به طور کلی و نشریات مهم فارسی زبان چاپ خارج از کشور را به تفکیک از حیث شکل و محتوا بررسی کرده است.

دکتر پروین نوشته است: «تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان در پنج جلد تدوین شده است [...]»

ج ۱: از آغاز پیدایش روزنامه نگاری فارسی تا قتل ناصرالدین شاه (پیدایش)

ج ۲: از قتل ناصرالدین شاه تا پیروزی مشروطه خواهان و واژگونی استبداد صغیر (بحران آزادی)

ج ۳: از خلع محمدعلی شاه تا انقراض قاجار

ج ۴: دوره رضاشاه

ج ۵: از اشغال ایران به دست متفقین تا کودتای مرداد ۱۳۳۲».

گرفتاریهای زندگی اجازه نمی دهد که به طور بایسته و شایسته درباره این کتاب بنویسم. اما لازم می دانم نکته ای را یادآور شوم که اگر دکتر پروین در ایران اقامت داشت و به این کتاب در مراحل پس از تدوین نظارت می کرد، حاصل کار شاید کم غلط تر بیرون می آمد. در یک تورق اجمالی در یک ارجاع - در صفحه ۳۵۲ - دو غلط مشاهده شده. آنچه چاپ شده این است:

قاسمی، سیدفرید. «سیر آغاز جنگ مطبوعاتی در ایران»، رسانه، ش ۳، ص ۷ (۱۳۵۷)

اولاً عنوان مقاله سرآغاز جنگ مطبوعاتی در ایران است. ثانیاً سال انتشار مجله ۱۳۵۷

نیست و ۱۳۷۵ است...

یا در صفحه ۱۹۴ نوشته شده که «آخرین شماره سالنامه دولت علیه ایران به سال ۱۳۱۳

یعنی آخرین سال پادشاهی ناصرالدین شاه چاپ شده...».

به یقین مراد دکتر پروین آخرین شماره سالنامه در عهد ناصرالدین شاه است. چون ایشان

قطعاً می دانند در دوره مظفرالدین شاه نیز سالنامه نگاری ادامه داشته است...

ارمنیان گیلان

به همت دکتر علی فروحی و فرامرز طالبی کتاب ارمنیان گیلان با سرمایه نشر گیلکان چاپ و منتشر شد. این کتاب در ۳۷۲ صفحه با قطع رقعی در سردارنده اطلاعات ارزنده‌ای دربارهٔ «پراکندگی، جمعیت، کار و پیشه»، «آموزش و پرورش»، «هنر و ادبیات» و کلیساهای ارمنیان گیلان است. همچنین «نهضت مشروطیت و ارمنیان گیلان»، «نهضت جنگل و ارمنیان گیلان»، «پزشکان و دندانپزشکان و داروسازان ارمنی گیلان» نیز از دیگر مطالب کتاب‌اند. در لابه‌لای این کتاب نکات ارزشمندی را در خصوص مطبوعات ارمنی و ارمنیان روزنامه‌نگاری می‌توان یافت.

فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه مرکزی فارس

فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه مرکزی فارس (کتابخانه عمومی شهید آیت‌الله دستغیب) به کوشش خلیل مقدم انتشار یافت. این کتاب حاوی نام، نام صاحب امتیاز، مدیر و سردبیر، محل انتشار، ناشر، فاصله انتشار، زبان، بهاء، شماره‌های موجود تاریخ و نشانی «۳۸۷» از روزنامه‌های نگاهداری شده در کتابخانه مرکزی فارس است. «فهرست روزنامه‌های منتشر شده فارس از ابتدا تا سال ۱۳۷۶» و «تصاویری از صفحه اول چند روزنامه» در پایان کتاب بر فایده این مجموعه افزوده است. این دومین فهرست موجودی نشریه‌های ادواری این کتابخانه است. مشخصات اولین فهرست از این قرار بود:

فهرست نشریات ادواری کتابخانه مرکزی فارس (شهید آیت‌الله دستغیب) / لیلا سودبخش، شیراز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، ۱۳۶۸، ۸۳۱ ص.

مصاحبه خلاق

مصاحبه خلاق تألیف احمد توکلی در ۱۶۸ صفحه با قطع رقعی به وسیله انتشارات خجسته در «شمارگان دو هزار نسخه» چاپ و به قیمت ۷۵۰ تومان توزیع شد. این کتاب دومین کتاب احمد توکلی در زمینه آموزش روزنامه‌نگاری است. نخستین کتاب او با عنوان گزارش نویسی در مطبوعات با سرمایه انتشارات موسسه ایران در سال ۱۳۷۶ انتشار یافت.

قبل از معرفی فصلهای کتاب یادآوری یک نکته را ضروری می‌دانم که ما در حال حاضر در مطبوعات تهران سه تن با نام احمد توکلی داریم. شاید هم بیشتر!

یکی دکتر احمد توکلی مدیر روزنامه فردا و وزیر اسبق کار و امور اجتماعی که هم‌اکنون افزون بر روزنامه‌نگاری در دانشگاه تدریس می‌کنند. دو دیگر احمد توکلی مجری برنامه صبح‌بخیر ایران تلویزیون که فعالیت مطبوعاتی نیز دارند و سوم احمد توکلی کارشناس ارشد

ارتباطات که قبلاً معاون سردبیر روزنامه ایران و مدیر انتشارات مؤسسه ایران و معاون دانشکده خبر بوده‌اند و هم‌اکنون سردبیر روزنامه ایران ورزشی است. مؤلف کتاب مصاحبه خلاق این سومی است!

کتاب پنج فصل و یک کتابشناسی دارد. «تعاریف»، «تکنیکهای مصاحبه»، «در حاشیه‌ی مصاحبه»، «یادآوری ۱۲ نکته‌ی مهم» و «پیوست» عنوانهای فصلهای این کتاب‌اند. مؤلف در «فصل پنجم» که «پیوست» ناگرفته پنج گفت و گو برگزیده را آورده است.

دو کتاب از رئیس‌نیا و شیرازه

رئیس‌نیا صاحب تالیفات و ترجمه‌های ارزشمند و شیرازه ناشر کتابهای ارزنده‌ای است. با انتشار دو کتاب گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران و آخرین سنگر آزادی دو اثر ارزشمند دیگر بر کارنامه مؤلف و ناشر افزوده شد. آنچه در کتاب گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران آمده «مجموعه‌ای است از حدود هفتاد و پنج مقاله و گزارش کوتاه و بلند رسول‌زاده درباره ایران. این نوشته‌ها از جلد اول آثار محمدامین رسول‌زاده، تألیف پروفیسور شیرمحمد حسینیوف برگزیده شده است». کتاب آخرین سنگر آزادی نیز «مجموعه مقالاتی است از سید جعفر جوادزاده خلخالی (الف. پرویز = پیشه‌وری)، که در دوره ۱۰۶ شماره‌ای روزنامه حقیقت به چاپ رسیده است». در ضمیمه این کتاب رئیس‌نیا نگاهی گذرا به زندگی سیدمحمد دهگان مدیر مسوول نشریه حقیقت دارد. این دو کتاب از سری «مجموعه تاریخ معاصر ایران» شیرازه‌اند که به همت و نظارت کاوه بیات انتشار می‌یابند.

۱۸۰

تجدید چاپ مطبوعات قدیم

سال اول تا سوم روزنامه اختر چاپ اسلامبول با مقدمه دکتر عبدالحسین نوایی در یک مجلد رحلی در ۸۱۴ صفحه تجدید چاپ شد. گردانندگان انتشارات کتابخانه ملی می‌گویند که طبق برنامه تنظیم شده دوره کامل این روزنامه ظرف دو سال آینده در هشت مجلد انتشار خواهد یافت.

«کتابخانه ملی به همت مسوولان و متصدیان امر احياء ميراث مکتوب پیش از این اقدام به گردآوری و تجدید انتشار نشریات ارزشمند زیر نموده است:

روزنامه دولت علیه ایران به همراه روزنامه دولتی در ۲ مجلد؛

روزنامه وقایع اتفاقیه در ۴ مجلد؛

روزنامه انجمن تبریز در ۲ مجلد؛

روزنامه ایران در ۵ مجلد؛

تربیت در ۳ مجلد؛

شکوفه به ضمیمه دانش در ۱ مجلد.

گرداندگان انتشارات کتابخانه ملی به زودی دوره کامل روزنامه ایران سلطانی را تیز تجدید

چاپ خواهند کرد.

مطبوعات بوشهر

کتاب مطبوعات بوشهر، رکن اساسی در تاریخ روزنامه نگاری ایران به همت پژوهشگر و نویسنده سختکوش سیدقاسم یاحسینی در اواخر سال ۱۳۷۷ توزیع شد. ناشر این کتاب که در شناسنامه تاریخ نشر آن را ۱۳۷۴ آورده اند، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر است. یاحسینی کتاب را در دو بخش ارائه کرده، «بخش اول: روزنامه های بوشهر» و «بخش دوم: مجله های بوشهر».

شنیده های ما حاکی از آن است که جلد دوم این کتاب نیز به زودی برای چاپ و نشر تحویل

ناشر خواهد شد.

منتشر شد:

دلخوشی های پراکنده

مجموعه شعر

ناهید کبیری

انتشارات نوید - تلفن: ۸۹۰۵۹۴۵